

یادداشت

ایران و پاکستان، روابط راهبردی



محمود رضا امینی

کارشناس ارشد راهبردی و حکمرانی اسلامی

روابط ایران و پاکستان همواره از پیچیدگی، ظرفیت گسترده و اهمیت امنیتی برخوردار بوده است. این اهمیت امروز، با توجه به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، بیش از هر زمان دیگری برجسته شده است. سفر اخیر دکتر لاریجانی به پاکستان و نیز سفرهای پیشین دکتر پزشکیان و سایر مسئولان ایران اسلامی به اسلام‌آباد در مقطع حساسی صورت گرفته که در آن محیط پیرامونی ایران با تهدیدهای آشکار ناشی از تداوم حملات اسرائیل، تنش‌های فزاینده در مرزهای شمالی و تداوم بی‌ثباتی در افغانستان مواجه است. در چنین شرایطی، ارتقای روابط تهران-اسلام‌آباد نه‌تنها یک انتخاب دیپلماتیک، بلکه ضرورتی راهبردی برای امنیت ملی و پیشبرد منافع بلندمدت ایران محسوب می‌شود.

- نخستین محور اهمیت این رابطه، جایگاه ژئوپلیتیکی پاکستان است. این کشور تنها قدرت هسته‌ای جهان اسلام بوده و در نقطه اتصال آسیای جنوبی، آسیای میانه و جهان عرب قرار دارد؛ موقعیتی که از یک سو آن را به هند به‌عنوان قدرت رو به رشدی که با اسرائیل نیز همکاری امنیتی دارد پیوند می‌دهد و از سوی دیگر به افغانستان و چین متصل می‌کند. ایران نیز از طریق مرزهای شرقی با پاکستان در یک پیوستار امنیتی قرار دارد که هرگونه تهدید یا بی‌ثباتی می‌تواند هزینه‌های مستقیم برای امنیت ملی تهران ایجاد کند؛ بنابراین توسعه همکاری‌های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی بین دو کشور، امروزه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به‌ویژه اینکه برخی گروه‌های تروریستی در مرزهای مشترک فعال‌اند و تنها با همکاری‌های پایدار و عمیق امنیتی قابل مهار هستند.

- دومین محور، متغیر افغانستان است. با وجود برخی اختلافات میان پاکستان و طالبان افغانستان، تهران روابط نسبتاً مثبتی با کابل برقرار کرده و این رابطه در دوران حملات اسرائیل به ایران به‌ویژه از منظر معنوی و سیاسی اهمیت یافت. تهران می‌تواند از این ظرفیت برای شکل‌دادن به یک محور سه‌جانبه همکاری امنیتی با پاکستان و طالبان بهره بگیرد. این همکاری سه‌جانبه می‌تواند از گسترش نفوذ بازیگران رقیب در افغانستان جلوگیری کرده و ثبات مرزهای شرقی ایران را تقویت کند. افزون بر این، هماهنگی تهران و اسلام‌آباد می‌تواند مانع از تبدیل‌شدن افغانستان به میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای شود.

- در بُعد امنیتی، لازم‌تر، نزدیکی ایران و پاکستان می‌تواند در مهار تهدیدهای رژیم صهیونیستی نیز مؤثر باشد. پاکستان تجربه و تحلیل جدی نسبت به اقدامات اسرائیل دارد و در شرایطی که تهران با تداوم حملات اسرائیل مواجه است، همکاری‌های اطلاعاتی و سیاسی با اسلام‌آباد می‌تواند بخشی از نیاز ایران برای ایجاد عمق بازدارندگی منطقه‌ای را پاسخ دهد. هم‌افزایی موقعیت ژئوپلیتیکی دو کشور، امکان شکل‌دهی به یک محیط امنیتی پایدار در جنوب و شرق ایران را فراهم می‌کند.

- از منظر اقتصادی نیز ظرفیت‌های همکاری میان تهران و اسلام‌آباد بسیار گسترده اما هنوز استفاده نشده‌اند. خط لوله ایران-پاکستان که سال‌ها به دلیل فشارهای آمریکا متوقف مانده بود، اکنون بار دیگر با توجه به نیاز شدید پاکستان به انرژی و تغییرات توازن قدرت جهانی در موقعیت احیا قرار گرفته است. توسعه این پروژه نه‌تنها درآمد پایدار برای ایران ایجاد می‌کند، بلکه وابستگی ساختاری پاکستان به انرژی را تقویت کرده و سطح همکاری‌های دو کشور را به مرحله راهبردی ارتقا می‌دهد. افزون بر انرژی، تجارت مرزی، ایجاد مناطق آزاد مشترک، توسعه مسیرهای ترانزیتی و اتصال به پروژه‌های جابهار-کوادر می‌تواند ایران و پاکستان را در قالب یک شبکه اقتصادی مکمل قرار دهد. چین در این میان نقش مهمی دارد؛ چراکه ابتکار کرمندر-راه می‌تواند از طریق هم‌سویی ایران و پاکستان سرعت و عمق بیشتری بگیرد.

- در حوزه فرهنگی، ایران و پاکستان روابط بسیار عمیق و دیرینه دارند؛ از پیوندهای زبانی و ادبی تا اشتراکات مذهبی و تاریخی. این ظرفیت فرهنگی زمینه‌ای است که می‌تواند روابط امنیتی و اقتصادی را تثبیت کند. تقویت همکاری‌های دانشگاهی، تبادل دانشجو، گسترش فعالیت راینی‌های فرهنگی و همکاری‌های رسانه‌ای می‌تواند موج جدیدی از دیپلماسی عمومی میان دو ملت ایجاد کند. پاکستان جامعه‌ای با گرایش‌های دینی و فرهنگی متنوع است و ایران می‌تواند با بهره‌گیری از این ظرفیت، عمق نفوذ نرم خود را در منطقه تقویت کند.

- از جنبه سیاسی نیز سفرهای دکتر لاریجانی و دکتر پزشکیان نشان می‌دهد که سیاست خارجی ایران درصدد بازتنظیم روابط منطقه‌ای خود با محوریت گفت‌وگو و همکاری است. لاریجانی به‌عنوان شخصیتی با سابقه تعاملات بلندمدت در حوزه امنیتی و پارلمانی و پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهوری که رویکرد عمل‌گرایانه دارد، می‌توانند مکمل یکدیگر در بازسازی نقشه روابط با پاکستان باشند. این سفرها پیامی روشن دارد: ایران می‌خواهد با کشورهای همسایه، به‌ویژه همسایه‌ای مانند پاکستان که از وزن ژئوپلیتیکی ویژه‌ای برخوردار است، روابطی پایدار، قابل توسعه و چندانیه برقرار کند.

- توجه به نقش عربستان و آمریکا نیز در این معادله اهمیت دارد. اسلام‌آباد روابط گسترده امنیتی و اقتصادی با عربستان دارد و همچنین تحت تأثیر ساختارهای کمک‌های نظامی آمریکایی است. نزدیک‌شدن ایران و پاکستان به‌گونه‌ای مدیریت‌شده می‌تواند زمینه‌ای ایجاد کند که نه‌تنها تهدیدهای ناشی از نفوذ آمریکا در پاکستان کاهش یابد، بلکه از ظرفیت عربستان برای همکاری‌های سه‌جانبه با دست‌کم کاهش تنش استفاده شود. لحن جدید سیاست خارجی ایران نیز فرصت مناسبی برای ایجاد پل‌های ارتباطی با کشورهایی است که می‌توانند از بهبود روابط تهران-اسلام‌آباد حمایت یا آن را تسهیل کنند.

- در کنار این موارد، مسئله امنیت مرزی یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های همکاری است. تهران و اسلام‌آباد با چالش‌های مشابهی روبه‌رو هستند؛ قاجاق، گروه‌های مسلح، اقتصاد مرزی بی‌قاعده و نبود توسعه کافی در مناطق مرزی. ایجاد سازوکارهای مشترک مرزبانی، کشت‌های ترکیبی، همکاری اطلاعاتی منظم و پروژه‌های مشترک توسعه‌ای می‌تواند این تهدیدها را کاهش داده و مرز را از یک ریسک امنیتی به یک فرصت توسعه مشترک تبدیل کند.

- جمع‌بندی این تحلیل نشان می‌دهد که روابط ایران و پاکستان ظرفیت تبدیل‌شدن به یک محور راهبردی چندانیه را دارد؛ محوری که امنیت، اقتصاد، فرهنگ و سیاست را به‌صورت هم‌زمان پوشش می‌دهد. سفرهای اخیر مقام‌های ایرانی از جمله دکتر لاریجانی و دکتر پزشکیان مقدمه‌ای برای این بازتعریف روابط است. با توجه به وضعیت پراشوب منطقه، از جنگ غزه و حملات اسرائیل تا وضعیت افغانستان و رقابت قدرت‌های بزرگ، همکاری نزدیک ایران و پاکستان می‌تواند به ایجاد یک سیر ژئوپلیتیکی در شرق ایران، ایجاد فرصت‌های اقتصادی پایدار، تقویت عمق فرهنگی و کاهش فشارهای خارجی کمک کند. اکنون زمان عمل‌گرایی، مدیریت هوشمندانه اختلافات و ساختن روابطی است که هم تهران و هم اسلام‌آباد از آن سود راهبردی ببرند.

نقد

ادامه از صفحه ۲

در آن صورت ما چه باید بکنیم؟ مسئولان عالی‌رتبه ایران براساس اطلاعات و آماری که در شورای عالی امنیت ملی بررسی می‌شود، تصمیم می‌گیرند. عده‌ای می‌گویند اشتباه کردند، اما همان عده در پی‌ریز قطع‌نامه ۵۹۸ هم می‌گفتند اشتباه است. در پیام امام هم منعکس است که برخی رزمندگان می‌خواستند جبهه را رها کنند و عقب بیایند. آنها می‌گفتند این همه شهید دادیم، شهرها و استان‌ها را از دست دادیم، پس وعده محاکمه صدام و فتح بصره و بغداد چه شد؟ اما تصمیم براساس واقعیت‌ها و اعداد و ارقام گرفته شد. تحلیل من این است که اگر جنگ ۱۲ روزه ادامه می‌یافت، احتمال تغییر پارادایم بسیار بالا بود، اما برخی بازیگران بین‌المللی نمی‌خواستند این تغییر رخ دهد. اگر این تغییر پارادایم صورت می‌گرفت، روابط ما با غرب اصلاح می‌شد؛ روابط با شرق هم که اکنون با روسیه خوب و با چین عالی است. چین اهداف سیاسی ندارد، فقط اقتصادی دارد؛ به ایران و عربستان و پاکستان و همه موشک و جنگنده می‌دهد و به همه طرف‌های کمک می‌کند. اگر روابط ما با غرب هم اصلاح شود، به‌دور آقای هاشمی و آقای خاتمی برمی‌گردیم، روابطی عادی و متعارف، نه روابطی که سفارت آمریکا یا انگلیس بگوید «هر چه ما گفتیم همان شود»؛ ما چنین رابطه‌ای نمی‌خواهیم و نه مردم ایران اجازه می‌دهند، نه در شان ملت و هیهران منتخب مردم است. تغییر پارادایم به این سادگی است و خیلی هم سخت نیست.

اما جناب هاشمی، واقعیت‌های میدانی دقیقاً برعکس این را نشان می‌دهد. هسته تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز همان حرف شما را می‌زند و همیشه آماده اقدام بعدی است. اما ما اکنون در یک وضعیت فرسایشی و بن‌بست کامل قرار داریم. قطع‌نامه جدید شورای حکام هم تصویب شد و ما همچنان در مسیر تصاعد تنش پیش می‌رویم و هیچ راه خروجی نمی‌بینیم.

دو راه برای خروج وجود دارد و باید به آن توجه کنید. به نظر من راه تدریجی یا به تعبیر قرآنی «استدراجی» انتخاب شده است. نظام یا راه استدراجی را برگزیده یا هنوز شرایط به آن حد از سختی نرسیده که ناگهان تغییر کند. دو عامل در تغییر پارادایم مؤثر است؛ اول آنکه شرایط آن‌قدر سخت شود که مجبور به پذیرش شوید (که بسیار بد است؛ مثل روز چهارم جنگ که ترامپ سه بار گفت «تسلیم، تسلیم، تسلیم» یا وضعیت کنونی زلنسکی). دومین موضوع این است که با خودتان آگاهانه تصمیم به تغییر بگیرید. من قبل از نشست گفتم چهار حران عمده جهان امروز (اوکراین، خاورمیانه، تایوان و کره شمالی) از نظر جمهوری‌خواهان آمریکا یک راه‌حل دارد و اکنون جمهوری‌خواهان حاکم آمریکا هستند. در سیاست خارجی باید توجه کرد که دو آمریکا داریم؛ آمریکای دموکرات و آمریکای جمهوری‌خواه. هر دو به دنبال تسلط بر جهان هستند؛ همان‌طورکه ما هم «اول ایران» فکر می‌کنیم (چه اصلاح‌طلب، چه اصول‌گرا، چه سلطنت‌طلب). حتی شاه به پدر انرژی اتمی ایران گفته بود باید طوری برنامه‌ریزی کنیم که اگر خواستیم، در چند روز یا چند ساعت بمب اتمی بسازیم. همه قدرت‌های منطقه همین فکر را می‌کنند. درمورد اوکراین، فرمول جمهوری‌خواهان همان فرمول کیسینجر است؛ زمین در برابر صلح. شرق اوکراین و کریمه به روسیه واگذار شود، اوکراین بی‌طرف و با ارتش ضعیف (مثل سوئیس) شود. آنها می‌گویند با ناسیونالیسم ریشه‌دار روسی نمی‌شود جنگید؛ همان‌طور که با حس استقلال‌طلبی و ملی‌گرایی عمیق ایرانی هم نمی‌شود. پس نگاه ترامپ هم همین‌طور است؛ آمریکا طلب می‌کند، اما فرمولش روشن است. مسائل داخلی آمریکا بسیار پیچیده‌تر از اینهاست؛ می‌خواهم بگویم آمریکا جامعه‌ای کاملاً پیچیده و تکنولوژیک است. جمهوری‌خواهان درباره اوکراین می‌گویند راه‌حل فقط «زمین در برابر صلح» است و هیچ راه دیگری وجود ندارد. درباره غزه هم گفتند باید با قدرت صلح را اعمال کرد و همین کار را کردند با قدرت زدند. حالا می‌گویند اگر می‌خواهید راه‌حل دو کشوری، باید ببینیم چه می‌شود؛ ظاهراً منظورشان دو کشوری خلع‌سلاح‌شده است، یعنی دولت فلسطین تشکیل شود اما مثلاً تا ۱۲ سال هیچ توان نظامی نداشته باشد، شبیه همان چیزی که به ما می‌گویند غنی‌سازی ۲۰، ۱۰، ۳ سال صفر کنید، بعد اجازه می‌دهیم. درباره آمریکا لاتین هم می‌گویند آنجا حیط‌خلوت ماست؛ همان‌طورکه روس‌ها درباره هشت کشور افراقشان همین را می‌گویند و در گرجستان و اوکراین نشان دادند که جدی هستند.

تنش کلان چین و آمریکا را که خیلی روی ما تأثیر می‌گذارد نگفتید...

به نظر من هنوز هیچ راه‌حلی برای تنش چین و آمریکا وجود ندارد؛ چون چین اصلاً قصد حمله به تایوان ندارد. اما به دنبال راه‌های قابل‌دیگر است. نمونه‌اش همین است که چند ماه است صادرات عناصر کمیاب را محدود کرده، همه کشورها (امارات، استرالیا، کانادا و...) دارند جایگزین می‌سازند. تکنولوژی هم دیگر انحصاری نیست؛ با هوش مصنوعی و پیشرفت‌ها، خیلی سریع قابل‌دستیابی شده است. اگر چین وارد جنگ با تایوان شود، به‌خصوص در دوره جمهوری‌خواهان، معلوم نیست چه اتفاقی بیفتد. تحلیل من این است که حداقل در چند سال آینده چنین

نخواهد کرد.

خب حالا در این چند پررونده، نگاه آمریکای جمهوری‌خواه به تهران چیست؟

نگاه‌شان کاملاً روشن است؛ اول، برجام نباید وجود داشته باشد (علا‌هم اجرا کردند). دوم، ایران باید داوطلبانه چندین سال غنی‌سازی را محدود یا تعطیل کند؛ ما ببینیم که ایران واقعا دنبال سلاح اتمی نیست، بعد اجازه غنی‌سازی می‌دهیم، سوم آنکه در کشورهای منطقه (عراق، عربستان، امارات و...) گروه‌های همسو با ایران نباید تجهیز شوند. شعار و مخالفت سیاسی اشکالی ندارد، اما انتقال سلاح نقطه افتراق است. بادم هست وقتی عراق اشغال شد، آمریکایی‌ها از طریق همین کانال‌های پنهان (که حاج قاسم هم در جریان بود) گفتند: «راه‌پیمایی اربعین، رابطه با شیعیان، هر کاری بخواهید بکنید، ما سلاح جابه‌جا نکنید». ایران چند کار کرد، بلافاصله کنسولگری ایران در اربیل را اشغال و همه را بازداشت کردند. الان هم همین را می‌گویند؛ عربستان یک ترلیون دلار، امارات، قطر و دیگران میلیاردها دلار در آمریکا و اروپا سرمایه‌گذاری کرده‌اند، نمی‌توانند آنجا را با گروه‌های نیابتی ناامن کنند. این فرمول‌شان است. حالا اینکه چه کسی در داخل ایران بتواند این فرمول را جابیزد، کار سختی است؛ یا باید شدت عملیات آنها خیلی زیاد شود، یا با جوسازی و فشار کم‌هزینه (که ترامپ دوست دارد). ترامپ همیشه به جمهوری‌خواهان قبلی (جز ریگان) ایراد می‌گیرد که شما با هفت ترلیون دلار عراق و افغانستان را اشغال کردید و دست خالی برگشتید؛ من با چند تهدید و پرواز بمب‌افکن اینن کار را مجانی انجام می‌دهم. ظاهراً اهرم اصلی‌اش هم اسرائیل است...

الان به یک نقطه یازی حاصل جمع صفر رسیده‌ایم؟

نه، هنوز نرسیده‌ایم. تسلیم‌شدن ایران خیلی سخت است؛ سابقه تاریخی و هویتی ما این را نمی‌پذیرد. به نظر من نظام تصمیم گرفته یک پارادایم آرام و تدریجی را پیش ببرد تا این چهار سال تمام شود.

خوبی‌ها همین را می‌گویند. ولی مگر اتساق فکر آمریکا و خود ترامپ نمی‌داند که فقط چهار سال با ما ملاحتا تاکنیتی می‌کنند و بعد دوباره به تنظیم کارخانه برمی‌گردند؟

می‌دانند، اما چاره دیگری ندارند. بداتن هست چرا در سال آخر دولت آقای خاتمی (وقتی آقای روحانی دیر شورای‌اعلی امنیت ملی بود)، غنی‌سازی را تعلیق کردند؟ چون دیک جینی گفته بود حالا که ارتش‌مان اینجاست، تکلیف ایران را هم با عراق روشن کنیم. ایران در محور شرارت بود و واقعا می‌توانستند حمله کنند. چنی بعداً گفت بزرگ‌ترین خطای استراتژیک من این بود که این کار را نکردم. ایران تشخیص داد غنی‌سازی را متوقف کند (فقط برای یک سال). اما وقتی بوش رفت و ابواما آمد و در ایران هم آقای احمدی‌نژاد آمد، دیگر آمریکا به خاطر تلفات عراق و افغانستان توان تهاجم جدید نداشت. آنجا هم اتاق‌های فکر آمریکایی به این نتیجه رسیدند که ادامه ندهند. آمریکا به افکار عمومی حساس است؛ الان ترامپ می‌گوید من این کارها را در قبال ایران مجانی انجام می‌دهم و نیاز به هزینه هنگفت جنگ نیست؛ همان‌طور که موضوع غزه را با فشار و بدون هزینه منی فکر را کرد.

یعنی می‌گویند هنوز به یازی حاصل جمع صفر نرسیده‌ایم؟ در هسته‌ای می‌گویند باید کلاً متوقف شود، ما می‌گوییم غنی‌سازی صفر را نمی‌پذیریم. در منطقه هم بعد از جنگ ۱۲ روزه هیچ‌کس حاضر نیست سر موشک کوتاه بیاید...

در مذاکره همیشه در آغاز چهار پنج شرط حداکثری می‌گذارند؛ معلوم نیست آخرش همه را بخواهند یا بپذیرند...

یعنی شما معتقدید با سقف خواسته‌ها می‌آیند تا به کف خواسته‌ها برسند؟

دقیقا همین‌طور است. همان‌طور که در جنگ ایران و عراق هم می‌گفتند ایران باید جنگ با عراق را تمام کند؛ شاید اصلاً قصد نداشتند این‌گونه تمام شود. شاید فقط می‌خواستند مسئله را روندرو حل شود و تمام. اما مهم این بود که جنگ به هر حله‌ای رسیده بود که انرژی جهان را به خطر انداخته بود؛ کشتی‌های دو طرف را می‌زدند، کشتی‌های کویت و دیگران هم آسیب می‌دیدند

سایه مذاکره در غیاب مذاکره

و جنگ از حالت محلی خارج شده بود. آمریکا آن زمان خیلی بیشتر از حالا به انرژی این منطقه وابسته بود؛ اکنون وابستگی‌اش بسیار کمتر شده است، بنابراین به نظر هنوز به آن نقطه یازی حاصل‌جمع صفر نرسیده‌ایم که تغییر پارادایم ناگهانی رخ دهد؛ یا باید شدت عملیات آنها به قدری زیاد شود که مجبور شویم، که هنوز نشده و آمریکا هم قصد ورود به جنگ تمام‌عیار را ندارد؛ نه نیرو دارد، نه تمایل دارد، نه تجهیزانش برای چنین جنگی آماده است. الان مشغول مذاکره با چین است که نفت ایران را کمتر

بخرد و همین تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی را ادامه می‌دهد. **جناب هاشمی، در سال ۶۷ قطع‌نامه ۵۹۸ را داشتیم که حداقل تضمین آتش‌بس بود؛ حتی بعد از پذیرش هم جنگ دوباره شروع شد و عملیات مرصاد را دیدیم. اما اکنون بین ما و اسرائیل هیچ رابطه‌ای نیست، هیچ مذاکره‌ای نشده، هیچ قطع‌نامه‌ای هم نیست؛ ما فقط در ترک مخصوصه هستیم...**

منی‌دانم، اما به نظر من اسرائیل اصلاً بازیگر اصلی نیست.

اتفاقا خیلی‌ها می‌گویند بازیگر اصلی اسرائیل است... اتفاقاً بازیگر اصلی آمریکاست. اگر با آمریکا به تفاهم برسیم، همان‌طور که در ماجرای قطر دیدید، اسرائیل بلافاصله بعد از حمله به دوحه عقب‌نشینی کرد و عذرخواهی کرد. اسرائیل در موقعیتی نیست که حتی جناح‌های تندرو آن بتوانند به آمریکا دهن‌کجی کنند؛ پس اگر با مجموعه غرب به تفاهم برسیم، مشکل حل می‌شود. البته اروپا هم بحث نزد موشک را دارد، اما ایران خودش رعایت می‌کرده. همان‌طور که کیسینجر گفت، هیچ دوست دائمی و دشمن دائمی نداریم؛ ما با عربستان و عراق که زمانی دشمن خونی بودیم، اکنون دوست هستیم.

آن زمان که شما در مذاکرات بودید، جهان دوقطبی و جنگ سرد بود؛ اکنون می‌گویند جهان پساقطبی است، اما عملاً دوباره جنگ سرد واقعی در حال شکل‌گیری است؛ جنگ اوکراین کاتالیزور قطع‌نامه ۲۲۳۱ پایان یافته؛ در مقابل آمریکا و اروپا هستند. ما به این شکاف امید داریم. آیا واقعا این شکاف می‌تواند برای ما امیدبخش باشد؟

نه، به‌هیچ‌وجه. شعار «نه شرقی نه غربی» درست است و جمهوری اسلامی مستقل تصمیم می‌گیرد، اما به نظر من برای توسعه‌گرفتار باید هم شرقی باشیم هم غربی؛ یعنی موازنه مثبت. ما باید چین و روسیه را حفظ کنیم، اما آمریکا، اروپا و غرب را هم از دست ندهیم. تا جایی که اطلاع دارم، مصوبه شورای‌عالی امنیت ملی این است که روابط با اروپا و غرب را به حالت عادی برگردانیم. مسئله ارسال پهپاد به روسیه خیلی موازنه را به هم ریخت. درمورد استدراجی‌بودن تغییرات باید بگویم که بعد از ماجرا، جلالستانی در شورای‌اعلی امنیت ملی با حضور همه احزاب، روزنامه‌نگاران و... برگزار شد. چهار پیشنهاد فراجحای تهیه شد؛ اول اینکه در مسئله حجاب کمتر سخت‌گیری شود. دوم آنکه موضوع حصر حل شود. مسئله سوم این بود که انتخابات حداقل بین جناح‌های داخلی حکومت آزادتر باشد (هنوز به مرحله دعوت اپوزیسیون نرسیده‌ایم، ولی شذنی است). موضوع آخر ارتباط با غرب احیاء شود و به تخصصی‌نیامد. درمورد حجاب استدراجی عمل کردند؛ سخت‌گیری‌ها کمتر شد (هرچند عده‌ای فشار می‌آوردن، اما رئیس‌جمهور هنوز قانع نشده است). درمورد حصر، آقای کروبی آزاد شد و آقای موسوی هم آزادی بیشتری دارد؛ البته شاید جنگ اخیر اسرائیل هم آزادی موسوی را کمسی به تأخیر انداخته باشد. درمورد انتخابات هم مجلس اخیر آزادتر از مجلس یازدهم بود؛ بافت مجلس متنوع‌تر شد. در برخی شهرها ۵۰، ۶۰ نفر تأیید شدند. انتخابات ریاست‌جمهوری هم همین‌طور؛ جبهه اصلاحات توانست آقای پزشکیان را بیاورد و رای هم آورد. انتخابات بعدی قطعاً آزادتر خواهد شد، مگر اینکه عده‌ای فشار بیاورند و جلیوش را بگیرند؛ اما هسته تصمیم‌ساز فعلاً چنین برنامه‌ای ندارد. نظام براساس این مسیر استدراجی عمل می‌کند؛ تاب‌بخش خوب یا بد، ممکن است تجدیدنظر شود، اما فعلاً همین است.

پس یعنی الان ما واقعا در این مسیر استدراجی گام گذاشته‌ایم؟

من آمدن آقای لاریجانی را کاملاً در همین جهت می‌بینم. به حل موضوع هم بدبین نیستم. فقط یک مسئله مهم وجود دارد؛ نباید زمان را از دست بدهیم. چرا؟ چون تصمیم‌گیران آمریکایی به زمان فکر نمی‌کنند؛ به منافع خودشان فکر می‌کنند. اگر افکارسنجی‌های‌شان نشان دهد که حمله به ایران برای‌شان رای و محبوبیت می‌آورد، واقعا این کار را می‌کنند.

پس در چهار ماه پایانی سال ۱۴۰۴ خطر حمله را جدی می‌دانید؟

من شخصا در چهار ماه پایانی سال ۱۴۰۴ خطر حمله را خیلی بالا نمی‌بینم؛ فعلاً آرام است.

برای مذاکره و توافق چطور؟

زمان مشخص می‌کند، اما نشانه‌ها وجود دارد؛ سفرهای آقای عراق‌چی به عمان، هلند و جاهای دیگر فقط برای دید و بازدید نیست؛ در این شرایط کسی برای دید و بازدید نمی‌رود. حتماً

کانال‌های پنهان فعال است و تماس‌ها ادامه دارد. برخی در آمریکا هم می‌گویند بمباران هیچ نتیجه‌ای ندارد و ایران زیر بار نمی‌رود؛ درست هم می‌گویند، نفرت و نخواهد رفت. درحالی‌که جنگ اهداف خودش را برای آمریکا و اسرائیل داشت؛ آنها به اینکه چه کسی در ایران رئیس‌جمهور است کاری ندارند، به اهداف استراتژیک خودشان نگاه می‌کنند. اصلاً یکی از دلایل اصلی پایان جنگ ۱۲ روزه، فشار کشورهای عربی بود؛ همه می‌دانند. چرا؟ چون عربستان و قطر و دیگران گفتند ما صدها میلیارد دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، اگر منطقه ناامن باشد، چه کنیم؟ ترامپ هم به مردم آمریکا قول ۲۰ ترلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی داده بود. اگر ترامپ در اوکراین هم صلح کند (که تا این لحظه نتوانسته)، جشن بسیار بزرگ‌تری می‌گیرد. درمورد ایران هم درخواست‌هایش مشخص است؛ چیزی بالاتر از برجام. ایران یا می‌تواند «نه» بگوید یا بخشی را بپذیرد و بخشی را نه؛ با زمان بخرد و بگوید «این چهار سال هم بگذرد». تحلیل فعلی در ایران این است که در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، دموکرات‌ها کنگره و سنا را می‌گیرند و بعد از دو سال، ترامپ با مشکل مواجه می‌شود؛ چون دموکرات‌ها آرام‌ترند و دیپلماسی‌شان متفاوت است. ترامپ اما عجله دارد؛ غزه را فعلاً آرام کرد، اوکراین پرورده دوم، ونزوئلا، سوم و ایران، چهارم است. او می‌خواهد سریع نتیجه بگیرد. من معتقدم در اوکراین بالاخره طی سه سال آینده مجبور به پذیرش «صلح در برابر زمین» می‌شوند؛ چون ۳۰ کشور اروپایی با هم یک‌سوم تولید تسلیحاتی روسیه را هم ندارند و چتر هسته‌ای واقعی فقط آمریکا است. اروپا و اسرائیل هم با ادامه جنگ موافق نیستند. این فرمول در تاریخ بارها اجرا شده؛ ناصرالدین شاه هرات را بخشید، ترکمنچای و گلستان تحمیل شد، چون چاره‌ای نبود. اوکراین هم چاره‌ای نخواهد داشت. در ونزوئلا هم سگونگی مادورو بعید است؛ مجلس است؛ چون اگر آزاد باشد، اپوزیسیون می‌برد. مشابه همین فکر درمورد ایران هم در ذهن برخی آمریکایی‌هاست، اما وضعیت ما کاملاً متفاوت است. اپوزیسیون ونزوئلا داخل کشور است؛ اپوزیسیون ما عمدتاً خارج‌تشین و در وضعیت دیگری است. به حال، زمان خیلی محدود است و نباید آن را از دست داد.

شعار «نه شرقی نه غربی» درست است و جمهوری اسلامی مستقل تصمیم می‌گیرد، اما به نظر من برای توسعه کشور باید هم شرقی باشیم هم غربی؛ یعنی موازنه مثبت. ما باید چین و روسیه را حفظ کنیم، اما آمریکا، اروپا و غرب را هم از دست ندهیم. تا جایی که فعالیت‌های امنیتی ملی این است که روابط با اروپا و غرب را به حالت عادی برگردانیم. مسئله ارسال پهپاد به روسیه خیلی موازنه را به هم ریخت

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی به صورت یکپارچه مرحله اول – نوبت دوم

شماره مجوز در سامانه ستاد: ۰۹۱۵۲۳۰۰۰۰۰۹

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران

منطقه یزد

موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد از تاریخ چاپ تا تاریخ	زمان و مکان جلسه توضیحی	مهلت بازگرداری پاکت در سامانه ستاد تا تاریخ	تاریخ بازگشایی اولیه سایر پاکات	تاریخ
واگذاری حجمی بازبدهای ادواری سرویس های صنعتی و کنترل کیفیت منطقه یزد	۵۲,۰۴۸,۳۸۶,۲۱۵	۲,۶۰۲,۵۰۰,۰۰۰	۱۴۰۴/۰۹/۱۳ ساعت ۱۶	۱۴۰۴/۰۹/۲۴ ساعت ۸:۳۰	۱۴۰۴/۰۹/۲۷ ساعت ۱۶	۱۴۰۴/۰۹/۱۶ ساعت ۸:۳۰	۱۴۰۴/۰۹/۲۹ ساعت ۷

متقاضیان می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ نسبت به دریافت اسناد این مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند. لازم به ذکر است کلیه مراحل این مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا بازگرداری اسناد و ارائه پیشنهاد مناقصه همرا و بازگشایی پاکت از طریق درگاه ستاد به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی، در سایت مذکور ثبت نام نموده و نسبت به دریافت گواهی امضای دیجیتال جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند. تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار باید به مدت سه ماه از تاریخ تسلیم پیشنهاد معتبر باشد و مطابق فرمت تحویلی در اسناد مناقصه (بخش بانک های سپه ، گردشگری ، پاسارگاد) ارائه گردد.

- آدرس مناقصه گزار:** یزد- خیابان کاشانی- جنب پمپ بنزین- شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه یزد - تلفن تماس : ۰۳۵-۳۵۲۲۷۹۹۳
- شرایط متقاضیان :**
- ۱- ائمه‌نامه شرکت پیمانکاری باید موید ارتباط رسته کاری پیمانکار با وظایف محوله باشد.
 - ۲- ارائه تصویرکلیه صفحات اساسنامه شرکت و کارت ملی و شناسنامه مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره شرکت و تصویر ثبت آگهی شرکت به همراه آخرین تغییرات در روزنامه رسمی و کد اقتصادی و شناسه ملی الزامی است.
 - ۳- دارا بودن و ارائه گواهینامه تأیید صلاحیت کار معتر از اداره کل تعاون ، کار و رفاه اجتماعی استان محل فعالیت در رسته امور تاسیساتی
 - ۴- دارا بودن و ارائه گواهینامه تأیید صلاحیت ایمنی معتر از اداره کل تعاون ، کار و رفاه اجتماعی استان محل فعالیت در زمان عقد قرارداد الزامی است.
 - ۵- احراز امتیاز قابل قبول بر اساس معیارهای ارزیابی اتوانمندی HSE
 - ۶- احراز امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی (حداقل ۵۰ امتیاز)
 - ۷- نیروهای بکار گرفته شده توسط پیمانکاردار حداقل مدرک کارشناسی در رشته های مهندسی شیمی باشند.
 - ۸- اولویت در شرایط یکسان با انتخاب پیمانکاران بومی و استانی و همچنین بکارگیری نیروهای بومی و استانی با اولویت محل سکونت نزدیکتر در شرایط برابر از نظر علمی و تجربی می باشد.
 - ۹- کلیه مستندات ارائه شده اصل و یا برابر اصل باشد.
 - ۱۰- فیهتها متناسب با کالای ساخت داخل یا لحاظ کیفیت ارائه گردد(خرید کالای خارجی که مشابه تولید داخلی دارند ممنوع می باشد)
 - ۱۱- تکمیل و بازگرداری کلیه مستندات ارزیابی کیفی مطابق توضیحات مشروحه برگ راهنما شده در سامانه ستاد تا تکمیل و الزامی می باشد.
 - ۱۲- کلیه پیمانکاران می بایست حداقل ۷۲ ساعت قبل از تحویل پاکت صورتحله توضیحی را دریافت و با علم و آگاهی کامل اعلام نرخ نمایند.
 - ۱۳- عدم ممنوع المعامله بودن در سطح کلیه شرکت های تابعه وزارت نفت (در صورت مجرز شدن ، ضمانت اسیره شرکت در فرایند ارجاع کار به نفع مناقصه گزار ضبط خواهد شد).
 - ۱۴- در این مناقصه فصل چهارم دستورالعمل ارزیابی مالی و فرایند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت منضم به نامه شماره ۲۰/۱۵۰-۲۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۱ وزیر محترم نفت (پیوست اسناد مناقصه) ملاک تعیین قیمت متناسب و برنده مناقصه خواهد بود.

نشانه آگهی: ۰۵۷۶۹۰۲

تاریخ ثبت نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه یزد

تجدید مزایده عمومی

شرکت نمایشگاه بین‌المللی استان اصفهان

در نظر دارد یک دستگاه خودرو سواری دنا مدل ۹۴ را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ به واحد مالی و قراردادهای شرکت واقع در اصفهان، خیابان علامه‌امینی شرقی، روبروی خیابان فردوس ساختمان مرکزی شرکت نمایشگاه، طبقه دوم مراجعه نمایند.

آخرین مهلت تحویل پیشنهادات مزایده به واحد حراست مرکزی شرکت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵

شرکت نمایشگاه بین‌المللی استان اصفهان

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران

منطقه یزد